

ای مستنیر بنور هدی صد هزار عرفا و فضلا سالهای دراز ریاضت کشیدند از هر مشقت چشیدند و راه طلب پیمودند و در صحرای اشتیاق ناله پرحسرت از دل و جان برآوردند و چون جمال جانان از افق امکان اشراق فرمود و در انجمن آفاق کشف نقاب نمود کل محتجب باوهام و افکار خویش شدند و از جمال معلوم محروم ماندند یکی مدهوش جام پر درد حکمت اشراق شد و یکی سرگشتهء بادیهء تصوف و اوهام گردید و یکی در عمق دریای فنون پرجنون مستغرق شد و یکی در مزابل اشراط و علامات گرفتار گشت مشهود و معلوم شد که جمیع دعواها کذب بود و جمیع اشتیاقها تصور محض تشنه چون سلسبیل الهی بیند صبر و تحمل نتواند عاشق چون جمال معشوق یابد زمام از دست دهد اما تو شکر کن که در چنین عصری بیدار شدی و در چنین وقتی هوشیار جام الطاف از دست ساقی عنایت کشیدی و حلاوت ایقان بجمال رحمن چشیدی طوبی لک ثم طوبی لک